

پایان مرکلیسم در آلمان

آنگلا مرکل صدراعظم آلمان بعد از 16 سال از قدرت خداحافظی می‌کند

بعد از شانزده سال، آنگلا مرکل، قدرتمندترین رهبر قدرتمندترین کشور اروپا قرار است از قدرت کناره‌گیری کند. مرکل از سال 2005، در طول سال‌هایی که قدرت را در دست داشت موفق شد آلمان را از بحران‌هایی نظیر رکود اقتصاد جهانی در سال 2008، بحران پناهجویان و در نهایت بحران همه‌گیری ویروس کرونا، به سلامت عبور دهد. حالا که مرکل به روزهای پایانی صدارت خود نزدیک شده است بسیاری از تحلیلگران به بررسی میراث او پرداخته‌اند. در تمامی سال‌هایی که مرکل قدرت را در آلمان در اختیار داشت بسیاری از اروپایی‌ها آلمان را به عنوان قدرت برتر اروپا و رهبر قاره سبز می‌شناختند اما حالا به نظر می‌رسد که در دوران پس از مرکل، آلمان مجبور است وارد دوره‌ای از تغییرات گسترده شود.

براساس نتایج مطالعه‌ای که شورای روابط خارجی اروپا منتشر کرده، «مرکل آلمان را به کشوری قدرتمند و با ثبات تبدیل کرد و توانست خودش را به مدت بیش از یک دهه به عنوان شخصیت محوری اروپا مطرح کند. اما مرکلیسم در آلمان و اروپا به پایان خود رسیده است. ممکن است کسی بگوید که مرکل در حفظ وضعیت موجود قاره سبز بسیار موفق عمل کرد اما چالش‌هایی نظیر همه‌گیری کرونا، تغییرات آب و هوایی و رقابت‌های ژئوپولیتیک که این روزها اتحادیه اروپا با آنها مواجه است نیازمند یک راه‌حل جامع و کامل است نه یک تغییر سطحی و مسکن. در این چارچوب اروپا به آلمانی نیاز دارد که چشم‌انداز گسترده‌تری داشته باشد».

این مطالعه که براساس نظرسنجی‌ها در 12 کشور عضو اتحادیه اروپا انجام شده نشان می‌دهد که حمایت از نقش رهبری آلمان در اتحادیه اروپا همچنان قوی است و محبوبیت مرکل نیز که قرار است قبل از برگزاری انتخابات فدرال در آلمان از قدرت کناره‌گیری کند، همچنان بالا است. به‌طور میانگین 41 درصد از کسانی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند به شمول 58 درصد در هلند، 57 درصد در اسپانیا و 52 درصد در پرتغال گفته‌اند که بین آنگلا مرکل و امانوئل مکرون، رییس‌جمهوری فرانسه، از مرکل حمایت خواهند کرد. اکثریت شرکت‌کنندگان در

نظرسنجي اعلام کرده‌اند که اگر قرار باشد کشوري را انتخاب کنند که از منافع اقتصادي‌شان دفاع کند، آن کشور آلمان خواهد بود. هر چند شرکت‌کنندگان در نظرسنجي انتقاداتي هم در خصوص سياست‌هاي آلمان در خصوص موضوعاتي نظير توازن بودجه و سياست‌هاي رياضي داشته‌اند. حتي 50 درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجي در کشورهايي نظير اسپانيا که سياست‌هاي متفاوتي با آلمان دارند نیز از رهبري اقتصادي آلمان در اتحاديه اروپا حمايت کرده‌اند. 50 درصد شرکت‌کنندگان در مجارستان که در حوزه يورو نيست هم از آلمان حمايت کرده‌اند. در اين ميان اما تنها 24 درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجي در ايتاليا از رهبري اقتصادي آلمان در اتحاديه اروپا حمايت کرده‌اند که اين هم به اختلافات ميان آلمان و ايتاليا در خصوص سياست‌هاي مالي و نحوه مديريت بانک مرکزي اتحاديه بازمي‌گردد. نکته جالب اين است که 35 درصد از شرکت‌کنندگان در اين نظرسنجي اعلام کرده‌اند که آلمان بهترين کشوري است که مي‌تواند در حوزه دفاع از حقوق بشر در اتحاديه اروپا، رهبري را در دست بگيرد. حتي در کشورهايي نظير مجارستان و لهستان که به لحاظ قوانين شهروندي اختلافاتي با اتحاديه اروپا دارند به ترتيب 49 درصد و 23 درصد از نقش رهبري آلمان حمايت کرده‌اند. اکثريت کساني که در اين نظرسنجي شرکت کرده‌اند معتقدند که بدون رهبري آلمان در اتحاديه اروپا، اختلافات در جهان بيشتري خواهد شد.

اما در حوزه رهبري ژئوپولتيکي، حمايت از نقش‌آفريني آلمان به طرز قابل توجهي کم بوده است. تنها 25 درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجي با نقش‌آفريني آلمان در مديريت روابط اتحاديه اروپا با امريکا موافق بوده‌اند. همچنين حمايت از نقش‌آفريني آلمان در مديريت روابط اروپا به کشورهايي نظير روسيه و چين به ترتيب 20 درصد و 17 درصد بوده است.

با نگاهی به نتايج اين مطالعه کاملا مشهود است که تفاوتی عمده ميان نگاه مردم اروپا به آلمان و نگاه مردم خود آلمان به رهبري‌شان، وجود دارد. اکثريت آلماني‌ها معتقدند که کشورشان مي‌تواند و بايد نقش پررنگ‌تري در اتحاديه اروپا برعهده بگيرد. البته مردم آلمان نسبت به آینده آلمان بدون مرکز نگاه بدبينانه‌اي دارند و 52 درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجي معتقدند که عصرطلايي آلمان گذشته است. 34 درصد جمعيت اروپا نیز معتقدند که آلمان از دوران طلايي خود فاصله گرفته است و تنها 10 درصد اعتقاد دارند که عصر طلايي آلمان همچنان در پيش است.

دستاندرکاران اين پژوهش معتقدند آلمان براي اينکه بتواند اعتبار و اعتمادي را که در دوران رهبري به دست آورده حفظ کند بايد در

سیاست‌هایش در قبال اروپا و همچنین سیاست‌های اتحادیه اروپا در مقیاس فراتر از دیدگاه‌های مرکل تجدید نظر کند تا بتواند با چالش‌هایی که از سوی برخی اعضای اتحادیه اروپا نظیر لهستان و مجارستان ایجاد شده، مقابله کند. همچنین آلمان باید در حوزه سیاست خارجی خود نیز دست به تغییرات گسترده‌ای بزند تا به این ترتیب بتواند از منافع سیاسی و اقتصادی اتحادیه اروپا دفاع کند. برای این منظور همکاری با دولت جو بایدن در چارچوب همکاری‌های ترانس‌آتلانتیک در مواجهه با چین می‌تواند آغاز خوبی باشد. البته نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افکار عمومی آلمان مانعی سر راه رهبری جدید این کشور محسوب می‌شود. اصلی‌ترین چالش برای هر کسی که در انتخابات هفته آینده آلمان به پیروزی می‌رسد این است که افکار عمومی آلمان را قانع کند که کشور به تغییرات جدی در کیفیت رابطه‌اش با اتحادیه اروپا نیاز دارد. رویکرد ارجح دانستن انسجام و پیوستگی اتحادیه اروپا به دیگر منافع که در طول دوران رهبری مرکل بر آلمان سیاست اصلی اتحادیه اروپا بوده است، می‌تواند مسیر پرچالشی برای جانشین مرکل باشد. اما در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی و نگرانی‌های داخلی درباره نقش آلمان در اتحادیه اروپا، بعید است اتفاق بیشتری نسبت به آنچه هست، رخ دهد. برای اینکه آلمان بتواند جایگاه خود را در رهبری سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا حفظ کند نخست باید در مسائلی که برای شهروندان اهمیت دارند ورود کرده و به دیگر شرکایش در اتحادیه اروپا ایده‌های صریحی درباره چگونگی رقابت اتحادیه اروپا با دیگر کشورها در جهانی که بحران‌زده و چند وجهی است، ارائه کند. علاوه بر این جانشین مرکل باید اهمیت رهبری آلمان در اتحادیه اروپا را برای افکار عمومی آلمان جا بیندازد. آلمان دیگر نمی‌تواند در موضوعات مختلف بی‌طرف بماند و صرفاً به فکر حفظ وضع موجود باشد. دیگر زمان آن فرا رسیده است که آلمان در موضوع مورد اختلاف، در یک طرف ماجرا بایستد.

چه کسانی جانشین مرکل خواهند شد؟

تا پیش از این تصور می‌شد که آرمین لاشت از حزب دموکرات مسیحی و آنالنا بائربوک از حزب سبز دو رقیب اصلی هستند که در انتخابات هفته آینده بر سر تصدی صندلی صدراعظمی آلمان با هم رقابت خواهند کرد. نظرسنجی‌هایی که در ماه مه انجام شد نشان داد که آنالنا بائربوک رهبر حزب سبزها از حمایت حدود ۲۹ درصد مردم برخوردار است و بعد از او آرمین لاشت در جایگاه دوم قرار داشت. اما نتایج نظرسنجی تازه‌ای که توسط شبکه اول تلویزیون آلمان انجام شده نشان می‌دهد نامزد سومی هم در کار است و اولاف شولتس، قائم‌مقام آنگلا

مرکل از حزب ائتلافی سوسیالدموکرات، از حمایت ۵۵ درصدی شرکت‌کنندگان در نظرسنجی برخوردار است و بخت بالایی برای تصدی سندلی صدراعظمی آلمان دارد. نتایج این نظرسنجی نشان داد که حمایت از آرمین لاشت تنها از حمایت ۱۴ درصد رای‌دهندگان برخوردار است و آنالنا بائربوک نیز به سقوطی عجیب به عدد ۷ درصد رسیده است. حدود ۶۰ میلیون از ۸۲ میلیون جمعیت آلمان در انتخاباتی شرکت می‌کنند که این بار به لحاظ تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این روز، بیش از ۷۰۰ نماینده مجلس فدرال از سوی اعضا و هواداران ۴۷ حزب و رای‌دهندگان مستقل برگزیده میشوند. حزبی که در این روز بالاترین آرای مردم را کسب کند، مأموریت تشکیل دولت را به نامزد مقام صدراعظمی خود می‌دهد. بیشتر روند انتخابات در روز برگزاری آن یعنی ۲۶ سپتامبر انجام می‌شود: شهروندان ایالت‌های مکلنبورگ-پومرانیا غربی و تورینگن در همان روز به پارلمان ایالتی رأی می‌دهند و برلین انتخابات مجلس نمایندگان را برگزار می‌کند. طبق قوانین موجود کسانی می‌توانند در انتخابات پارلمانی جدید رأی دهند که گذرنامه آلمانی داشته باشند، در روز انتخابات فدرال در سال ۲۰۲۱ حداقل ۱۸ ساله باشند، حداقل سه ماه سال را در کشور حضور داشته باشند و مقیم آلمان باشند. رأی‌دهندگان واجد شرایط و بدون محل اقامت دایم در جمهوری فدرال آلمان، فقط در صورت درخواست شخصی در لیست انتخابات قرار می‌گیرند. در صورت بروز برخی تخلفات سیاسی، حق رأی افراد به‌طور موقت سلب می‌شود. آلمانی‌های مقیم خارج از کشور تنها در صورتی مجاز به رأی دادن در انتخابات فدرال ۲۰۲۱ هستند که پس از ۱۴ سالگی حداقل سه ماه متوالی در آلمان زندگی کرده باشند. هر کسی که بیش از ۲۵ سال در آلمان زندگی نکرده باشد یا در آن اقامت نداشته باشد، از انتخابات حذف می‌شود، مگر اینکه بتواند ارتباط شخصی خود با جمهوری فدرال آلمان را نشان دهد. در هر صورت به نظر می‌رسد انتخابات سراسری ۲۶ سپتامبر در آلمان یک رخداد تاریخی باشد. آلمان قرار است شاهد خداحافظی زنی از قدرت باشد که توانست این کشور را به مدت ۱۶ سال از گرداب بحران‌های مختلف عبور دهد. آنگلا مرکل که سالیان متمادی در رسانه‌های جهان از او به عنوان قدرتمندترین زن جهان یاد می‌شد حالا قرار است به صورت خودخواسته از دایره قدرت خداحافظی کند.

ترجمه: آرمین منتظری